

تفسیر روان و ساده قرآن کریم  
قسمت دوازدهم، سوره حمد

# ذکر کتاب

درس گفتارهای  
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه فرهنگی

شماره ثبت: ۱۳۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا  
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ  
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

### خلاصہ قسمت قبل

در خدمت شما هستیم با ادامه تفسیر سادہ و روان قرآن [کریم]۔ عرض کردیم در سورہ حمد، بعد از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، حمد و سپاس می‌گوییم۔ خدا و اوصاف او را بیان می‌کنیم۔ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ»۔ بعد اعلام می‌کنیم کہ می‌خواهیم بندہ تو باشیم۔ این اعلام عبودیت و ثنایی کہ کردیم، برای درخواست هدایت است۔ ہمہ اینها برای این است کہ به خدا بگوییم خدایا ما را هدایت کن۔

اما قبل از اینکه از خدا درخواست هدایت کنیم، باید اعلام عبودیت بکنیم۔ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: ۵)۔ ما اعلام می‌کنیم کہ در راه عبودیت و در سایر

موارد، فقط می‌خواهیم بنده تو باشیم و از خودت کمک می‌خواهیم.

### تقسیم بندی مردم

حالا که راه درست را از خدا طلب کردیم، [سؤال] راه درست، راه چه کسانی است؟ گفتیم خدای متعال اینجا مردم را سه دسته کرده است: یک دسته کسانی که راه درست می‌روند. این دسته چند ویژگی دارند: اولاً خدا به آنها نعمت داده؛ ثانیاً شیعیان واقعی امیرالمؤمنین علیه الصلاة و السلام هستند؛ ثالثاً دچار افراط و تفریط نمی‌شوند. یک دسته راه کسانی که به خاطر خوی استکباری و... مغضوب علیهم هستند، یعنی خدا بر آنها غضب کرده، و یک دسته دیگر، راه گمراهان.

### تعریف گمراهان

[سؤال] راه گمراهان کدام است؟ چه کسانی گمراه‌اند؟ تفاوت گمراه با جاهل: جاهل کسی است که نمی‌داند. وقتی به او می‌گوییم که این چه کاری است که می‌کنی، می‌گوید واقعاً من نمی‌دانستم. اشتباه کردم. زود می‌پذیرد که اصلاحش کند. اما گمراه کسی است که نمی‌پذیرد. آن کس که نداند و نداند که نداند، در جهل مرکب ابدالدهر بماند. [مصادقش همین فرد است] این گمراه است؛ نمی‌داند که نمی‌داند. وقتی به او می‌گوییم این راه تو غلط است، نمی‌پذیرد. به هرکدام از گمراهان

بگوئید مسیرت اشتباه و نادرست است، می گوید من درست می روم. تو داری اشتباه می کنی.

«ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی

این ره که تو میروی به ترکستان است»

[سؤال] گمراهان چه کسانی هستند؟ گمراهان عبارتند از: ۱. عده ای از مشرکان و منافقان و بت پرستان، که الان مشرک و منافق زیاد داریم؛ ۲. عده ای از بی دین ها، که هیچ دینی را قبول ندارند؛ ۳. دین دارانی که به دین های منسوخ شده اعتقاد دارند. اگر مسیحیت و یهودیت تحریف نشده بود، باز هم کسی حق ندارد این دین ها را بپذیرند و در مسیر آنها حرکت کند. چون این دین ها کامل نیستند. باید [پیروانشان] به کلاس بالاتر بروند. مثلاً کسی که کلاس های [دوره ابتدایی] و راهنمایی و دبیرستان را می گذراند، باید دانشگاه برود و از استاد دانشگاه تعلیم ببیند. او نمی تواند بگوید من از دانشگاه [انصراف بدهم] برگردم و در کلاس اول [ابتدایی] بنشینم. کلاس اول راحت تر بود.

برخی از دختر و پسرها شنیده اند، در دین مسیحیت مثلاً محرم و نامحرم [مطرح] نیست و شراب خوردن حرام نیست. لذا گفتند دین مسیحیت ساده تر [از دین اسلام] است. [باید در پاسخ به اینها گفت مسیحیت امروز] دین نیست؛ این تحریف شده دین مسیح است.

کجا حضرت مسیح، محرم و نامحرم را رعایت نمی کرد؟  
کجا حضرت مسیح شراب می خورد؟

چون کتاب‌های آنها تحریف شده، لذا بعضی فریب خوردند و فکر کردند این دین، دین [واقعی] است. [لذا می‌گویند چون اینها] دین و کتاب آسمانی دارند، پس ما هم برویم مسیحی بشویم. دین با دین که فرق نمی‌کند! [تصمیم اینها] مثل [تصمیم] کسی است که می‌خواهد از سر کلاس درس دانشگاه بلند شود و برود کلاس اول [دوره ابتدایی]، این خیلی خطرناک است!  
خب، اینها گمراهانی هستند که هرچه هم به آنها بگویید شما اشتباه می‌کنید، نمی‌پذیرند. می‌گویند شما اشتباه می‌کنید. معتقدند که ما داریم راه خطا می‌رویم.

### گمراهان بی ولایت

عرض کردیم یک عده از گمراهان، کسانی هستند که دین اسلام را پذیرفته‌اند، ولی ولایت در اسلام را نپذیرفتند، زیر بار امامت و خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نرفتند. اینها می‌گویند شما اشتباه می‌کنید. شما که اهل بیت را قبول دارید، مشرک هستید. اینکه شما حضرت علی را دوست دارید و از او و ائمه‌تان کمک می‌خواهید، این شرک است. متأسفانه وهابیت خبیث، در خیلی از جاهای جهان، حتی در کشور خودمان، این تبلیغ را کرده است. متأسفانه بعضی فکر

می‌کنند که ما گمراهیم و آنها برحقند؛ در حالی که اشتباه است.

[عرض کردیم یک عده دیگر از گمراهان، کسانی هستند] که در دین غلو می‌کنند. اهل بیت را قبول دارند، اما غلو می‌کنند. علی را خدا می‌دانند. بعضی از اهل بیت را خدا می‌دانند. اینها از نظر دین اسلام و مکتب تشیع، کافرند و ما هیچ کدام را قبول نداریم.

### ولایت فقیه

یک دسته دیگر از گمراهان، کسانی هستند که دین اسلام و تشیع و ولایت امیرالمؤمنین را پذیرفته‌اند، اما فقط ولایت امیرالمؤمنین و ائمه را پذیرفته‌اند و معتقد به حاکمیت ولایت فقیه در عصر غیبت، نیستند. لذا می‌گویند ما فقط نوکر امیرالمؤمنین هستیم. ما کاری با مسائل سیاسی و ولایت فقیه نداریم. ما فقط، چهارده معصوم داریم و کسی غیر از آنها را به عنوان امام، قبول نداریم. متأسفانه اینها به خاطر ضعف اطلاعات و بدبینی‌هایی که برایشان پیش آمده، دچار چنین انحرافات شدند. باید حواسمان باشد، دست اینها را بگیریم. ما به مغضوب علیهم و یهودی‌ها نمی‌توانیم کمک کنیم، ولی به گمراهان می‌توانیم کمک بکنیم. می‌توانیم کاری کنیم که این گمراهان، هرچند که نمی‌پذیرند، مسیر حق را پیدا بکنند. در مقابل اینها، یک

مقدار خودمان را مکلف بدانیم و سعی بکنیم ان شاء الله اینها را هم هدایت بکنیم.

یک دسته دیگر از گمراهان، کسانی هستند که به دین اسلام و ولایت ائمه معتقدند. ولایت فقیه را هم تا یک حدی [قبول دارند]، ولی سکولار هستند؛ یعنی کاری با سیاست ندارند. می گویند ما ولایت فقیه را قبول داریم. ما به جای اینکه راهپیمایی بیایم و شعار بدهیم، در خانه ذکر می گوئیم و نماز می خوانیم یا در نماز جماعت شرکت می کنیم.

### بی توجهی به مسائل سیاسی

تکبیر گفتن بعد از نماز جماعت در مساجد، از اول انقلاب رسم شد. بعد از تکبیر، با گفتن مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل از ابرقدرت‌ها و طاغوت‌های جهان، اعلام برائت می کنند. این عین دین ماست. جزو دین ماست. اما بعضی افراد معتقد نیستند و نمی گویند. الان داریم بعضی مساجد که اصلاً تکبیر نمی گویند. بعضی از شهرستان‌ها این تکبیر را از مساجد برداشته‌اند. گاهی بعضی از امام جماعت‌ها اجازه نمی دهند. گاهی بعضی مردم نمی گویند. اینها هم فکر می کنند که راه درست را می روند؛ اینها هم گمراه‌اند.

گمراهان، فقط بت پرستان و مشرکان نیستند؛ بلکه امروز در جامعه ما، انواع و اقسام گمراهی‌ها وجود دارد.

کسانی که معتقدند: نباید کاری با سیاست داشته باشیم، فقط در این حد که قبول داشته باشیم و مخالفت نکنیم؛ این کافی نیست. باید وارد میدان شد. وقتی رهبر عزیز امر می‌کند که امروز کمک به مردم لبنان و فلسطین یک فریضه است و هر کس هر کاری می‌تواند انجام بدهد، اینجا قبول ولایت فقیه یعنی چه؟ یعنی اطاعت از او. کسی که اینجا اطاعت نمی‌کند و می‌گوید به من چه ربطی دارد. ما در کشورمان فقیر فراوان داریم. بهتر است به فقرای خودمان برسیم، تا به فقرای مثل یمن و لبنان و فلسطین. این [گروه از گمراهان]، از جامعه همیشه چند قدم عقب‌اند.

### بصیرت در تشخیص حق

ما از خدا می‌خواهیم تا ما را در مسیر درست قرار بدهد و هدایت‌مان کند. عقلی به ما بدهد که بفهمیم گمراهی چیست. اگر کسی بتواند این گمراهی‌ها را تشخیص بدهد، در زمره کسانی قرار می‌گیرد که راه مستقیم را طی می‌کنند.

یک دسته دیگر از گمراهان، کسانی هستند که مُتَحَجِّرند. اسلام را قبول دارند، خیلی هم به احکام اسلام مُقَيِّدند، اما متحجّرند؛ یعنی فقط تأکید بر ظواهر اسلام دارند! اسلام را در فقه خلاصه کرده‌اند. اینها متأسفانه سکولار هستند. می‌گویند ما فقط نماز

خودمان را می خوانیم و کاری با سیاست و ولایت و امامت در جامعه نداریم!

همین متحجرین، زمانی که حضرت امام حسین علیه الصلاة و السلام، از مکه به سوی کربلا حرکت کردند، گفتند حسین حج را تعطیل کرده است. فتوا دادند که حسین کافر شده و خونش هدر است! تا این حد انسان می تواند گمراه بشود! امام حسین، که امام جامعه و معصوم و حجت خداست، را کافر بداند و خود را، که می رود احکام حج را انجام دهد، مسلمان ببیند! [متأسفانه] از این قبیل افراد که فقط بر ظواهر احکام دین متعصب اند، وجود دارند.

ما نمی گوئیم نباید ظواهر احکام را رعایت کرد؛ باید رعایت کرد، اما یک جاهایی اولویت هایی وجود دارد. متعصب کسی است که اولویت ها را نمی شناسد. بله، باید حج را انجام بدهیم، اما اولویت این است که امام جامعه را یاری کنیم.

حَنْظَلَهُ غَسِيلُ الْمَلَائِكَةِ، این اولویت را تشخیص داد. او دید اگر غسل کند و بخواهد با غسل نماز بخواند، به سپاه آماده جنگ پیامبر نمی رسد، لذا غسل نکرد. نمازش را با تیمم، سریع خواند. به سپاه پیامبر رسید و شهید شد. ملائکه او را غسل دادند و سرانجام، حَنْظَلَهُ غَسِيلُ الْمَلَائِكَةِ شد. انسانی که بصیر و آگاه باشد و

اولویت‌ها را تشخیص بدهد، می‌شود حنظله غسل الملائکه. راه مستقیم، راه حنظله است.

### متحجرین

اگر متحجرین امروز، در آن زمان بودند، می‌گفتند: ما غسل بکنیم و نماز بخوانیم و بعد از نماز هم تعقیبات بخوانیم. اگر سپاه پیامبر به جنگ رفت و ما از جنگ ماندیم، طوری نیست؛ ولی [در عوض ما] نمازمان را خواندیم. متأسفانه بعضی از متحجرین این تفکرات غلط را دارند!

مصدق متحجرین در جامعه ما، کسانی هستند که قرآن صامت را می‌بینند، اما [متأسفانه] قرآن ناطق را نمی‌بینند! در زمان حضرت امیر هم بودند متحجرینی که قرآن صامت را بالای نیزه‌ها دیدند، اما قرآن ناطق، حضرت امیرالمؤمنین را، ندیدند. حضرت، هر چه به آنها گفت اینها دارند فریبتان می‌دهند، حرفش را گوش نکردند. ببینید، تحجر یعنی تقیّد به ظواهر. ظاهر قرآن را دیدن و فریب خوردن و باطن قرآن، حضرت علی را ندیدن!

اگر در مسائل سیاسی بصیرت نداشته باشیم، دچار تحجر شده، جزو گمراهان خواهیم شد. مثلاً شخصی، یک کسی را ببیند که لباس روحانیت و عمامه مشکی دارد، بگوید: من به این رأی می‌دهم، چون سید و

روحانی است. بدون اینکه تفکر او را بشناسد، به او رأی می‌دهد. صرفاً چون سید است و لباس روحانیت دارد. این از مصادیق تحجر است. متأسفانه ما در برهه‌هایی از زمان، گرفتار چنین تحجری بودیم. کسانی که فقط اسلام را در لباس روحانیت دیدند و فکر کردند این آقا چون سید و روحانی است، رأی دادند و تفکر غربی او را ندیدند و نفهمیدند که او غربزده است. ببینید این‌طور گمراه بودن، چه پیامدهای غلط و فجایعی را به بار می‌آورد.

گمراهان فقط بت‌پرستان نیستند. کسی که بر اساس تعصب قومیتی رأی بدهد هم گمراه است. [اینکه کسی بگوید] چون این آقا مثلاً همشهری من و ترک است و من ترک هستم، ما ترک‌ها باید فقط به کسانی که ترک‌اند رأی بدهیم. یا مثلاً ما فارس‌ها بگوییم چون [این آقا] فارس است، به او رأی می‌دهیم، به ترک‌ها رأی ندهیم. اینها همه تحجر است. انسان باید به تفکر رأی بدهد. این راه مستقیم است. تفکرش را ببینیم که آیا او غربزده است یا نیست، ولایت‌مدار است یا نیست. اندیشه دینی را به درستی فهمیده یا فقط ظواهر دین را بلد است. چهارتا عبارت نهج البلاغه و قرآن را بلد است، اما باطن دین را نفهمیده. دقت کردید؟ پس یک مصداق دیگر تحجر، این است که ظواهر دین را ببینیم.

بعضی می‌گویند در زمان شاه، مردم بیشتر نماز می‌خواندند، بیشتر مسلمان بودند و نمازخانه‌ها بیشتر بود. اگر بر اساس پیمایش‌های میدانی این آمار درست باشد، که نیست؛ نمازی که در زیر سایه ولایت طاغوت باشد چه ارزشی دارد؟ اسلام نیامده ما را فقط نمازخوان و با حجاب کند. اسلام آمده تا ما تمدن جهانی صالحان را، در زمین پیاده کنیم. باطن و حقیقت دین اسلام، حاکمیت صالحان در جهان است.

### حقیقت دین

حقیقت دین این است که ما زیر بار حاکمیت صالحان برویم. حاکمیت معصومین و صالحان را بپذیریم. این می‌شود جامعه دینی. در زمان شاه، این حاکمیت وجود نداشت. حالا هرچه هم که نمازخوان زیاد باشد، فایده ندارد. نمازی که در زیر سایه حاکمیت طاغوت باشد، ارزش ندارد. مگر ابلیس، شش هزار سال نماز نخواند؟ ابلیسی که تفکر طاغوتی و روحیه استکباری دارد، با همین حالت، شش هزار سال نماز خواند. آیا آن شش هزار سال را خدا دید، ارزشی هم برایش قائل شد؟ تازه، آن شش هزار سال، او را از خدا دورتر هم کرد.

نمازی ارزش دارد که اقامه نماز باشد، نه نماز خواندن فقط. [سؤال] اقامه نماز یعنی چه؟ یعنی برپا کردن حاکمیت صالحان در جهان. [سؤال] معنی رو به قبله ایستادن چیست؟ قبله نشانه و نماد حاکمیت دینی

صالحان است. یعنی من باید تلاشم و عبادتم و همه کارهایم، در جهت برپایی حاکمیت صالحان باشد. دقت کردید؟

اصل دینداری در این است که حاکمیت دین در کشور و جهان پیاده بشود. [آیا] تمدن‌سازی شیعه [پس از انقلاب اسلامی] را نمی‌بینی؟ چرا فقط نوک دماغت را می‌بینی؟ فقط چیزهای ظاهری، مثل نماز و حجاب را می‌بینی؟ اما اینکه شیعه دارد در جهان تمدن‌سازی می‌کند، اینکه امروز انقلاب اسلامی به یمن، لبنان، عراق و کشورهای عربی و به همه نقاط جهان حتی به آمریکا صادر شده [را نمی‌بینید!]. ان شاء الله روزی را خواهید دید که پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی، در کشور آمریکا و در بالای کاخ سفید به اهتزاز درمی‌آید.

این حاکمیت صالحان و تشیع و قدرت آن را نمی‌بینی! این یک نوع بی‌بصیرتی و گمراهی است. اقتصاد داخل را می‌بینی، گرانی سیب‌زمینی را می‌بینی، بعد می‌گویی: این چه نظام اسلامی است؟ اینکه شما حقایق نظام اسلامی را بر اساس قیمت سیب‌زمینی می‌خواهی به دست بیاوری! یک جور گمراهی است.

نگاهمان باید کلان باشد. گمراه کسی است که فقط جلو چشم خودش و سر سفره خودش و سیب‌زمینی را ببیند. اما نمی‌بیند که تمدن اسلامی تا کجای جهان پیش رفته؛ تمدن شیعی چه بلایی سر ابرقدرت‌ها آورده است.

وقتی کسی اینها را ندید و قیمت سیب زمینی را دید، بعد گفت: این هم از نظام اسلامی؛ انقلاب کردیم، به چه درد ما خورد؟ این می شود گمراهی.

از این قبیل افراد زیاد داریم. وقتی در نماز، از خدا می خواهیم که ما را به راه درست و مستقیم هدایت کن، نه راه مغضوب علیهم و نه راه گمراهان، حواس مان باشد، گمراهان اینها هستند.

مواظب باشیم! ما هم مثل آنها نشویم. بچه های ما گمراه نشوند، آنها را بگونه ای تربیت کنیم که مثل اینها گمراه نشوند. ان شاء الله بتوانیم همیشه جزو کسانی باشیم که در راه مستقیم حرکت می کنند.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (حمد: ۷) و راه کسانی که خدا به آنها نعمت ولایت و نعمت حرکت در مسیر صفات خدا و از همه مهم تر، نعمت بصیرت به آنها داده. نه راه صهیونیست ها و نه راه گمراهانی که انواع و اقسامی دارند. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.